

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

پیامدهای غم‌انگیز انارشیسم طالبانی در کشور چگونگی صداقت در انجام عملی و عده‌های "طالب"ها مافیاهای اقتصادی در کدام جناح استاده‌اند؟

فعالیت یک ارکستر هماهنگ علیه کشور عزیز ما
برنامه ریزی استخبارات خارجی برای یک خیز
حرکت‌های مرموز و دامن زدن نارضایتی‌ها
اقدامات عمدی یا حرکت‌های اتفاقی؟

انارشیسم یا اقتدارگرایی یک فلسفه و جنبش سیاسی است که نسبت بانحصار در ریشه ضدیت داشته و همه اشکال سلسله مراتب را رد می‌نماید. انارشیسم خواستار از بین بردن قدرت رهبری است. البته قابل تذکر پنداشته می‌شود که در جناح راست سیاسی، از نیمه دوم سده ۲۰ جنبش‌های انارشیستی - کاپیتالیستی نیز شکل گرفتند که علاوه بر نفی اقتدار مرکزی و وجود حکومت مرکزی بدفاع تمام عیار از مالکیت خصوصی پرداختند. انارشیسم از تاکتیک‌های متنوعی بمنظور دستیابی باهدف ایده آل خود استفاده می‌کند که می‌تواند بگونه گسترده‌ای به تاکتیک‌های متنوعی تقسیم گردد. هدف تاکتیک‌های پویا به پیش بردن جامعه بشری بسوی انارشیسم است. تفکر انارشیستی در انتقاد و عمل‌گرا بی‌زمینه‌های مختلف جامعه بشری نقش داشته است. انتقاد از انارشیسم عمدتاً بر بنیاد ناسازگار بودن، خشونت و آرمانی بودن آن متمرکز می‌باشد. کاربرد اولیه کلمه در زبان انگلیسی، حس بینظمی را میرساند. در زبان فارسی، واژه اقتدار گرایی توسط بسیاری‌ها برای معادل انارشیسم معرفی شده است. تاریخ انارشیسم بدون ماقبل تاریخ برمیگردد. در حالیکه مخالفت با دولت در اندیشه انارشیسم، امریست اساسی، اما بایست یادآور شد که تعریف انارشیسم کار ساده‌ای نیست، زیر ابژه‌های زیادی در این باره در میان محققان و انارشیست‌ها وجود دارد و جریان‌های مختلف انارشیسم را اندکی متفاوت تعریف می‌کنند.

یکسال و اندی قبل، "طالب"ها با تصرف قدرت بر سر نوشت شهروندان کشور حاکم و مسلط گردیده و با اعلام سیاست میانه رو به ظاهر صلحجویانه‌ای، جهان و جهانیان را شگفت زده کردند. آنها از جمله، تعهد سپردند تا به تمام می‌عده‌های سپرده شده بشهروندان کشور صادق و وفادار بوده و حقوق شهروندان و بویژه حقوق بانوان کشور را در محدوده شریعت اسلامی مراعات نمایند. در این مقطع پرسشی باین شرح مطرح میگردد کآیا "طالب"ها بوعده‌های داده شده وفادار باقی ماندند یا نه. در نخستین نشست مطبوعاتی در امتداد ماه اسد سال ۱۴۰۰، نماینده "طالب"ها تأکید بعمل آورد که بانوان کشور در محدوده احکام اسلامی از حق انتخاب شغل و همچنان از حق ادامه تحصیلات در جامعه برخوردار می‌باشند. اما با بقدرت رسیدن "طالب"ها در کشور، بسیاری از شهروندان کشور از اعمال سختگیری‌های دوره نخست حاکمیت آنها (سال‌های ۱۳۶۹)، واقف در هراس بودند. درست یکسال پس از بقدرت رسیدن، "طالب"ها مجموعه‌ای از قوانین و مقررات دست و پاگیری در قبال بانوان کشور تصویب نمودند، از جمله، بانوان کشور هنگام حضور در مکان‌های عمومی، بایست لباس‌هایی که سر تاپای آنها را می‌پوشاند، بتن نمایند. اگر بانویی در خارج از منزل و در انظار عمومی، چهره اش را نمیپوشاند، پدر یا نزدیکترین اقارب مرد بانوی یادشده، ممکن زندانی گردیده و یا با معرفی بمقامات امنیتی از وظیفه نیز اخراج گردد. بانوان از حق پرواز در هواپیماهای مسافربری، بدون مرد محرم محروم می‌با

شند. مرد محرم باید همسرویا نزدیکترین اقارب بانوی یادشده و بالغ باشد. دسترسی به پارک های عمومی در کشور بر بنیاد جنسیت صورت می گیرد کاز جمله سه روز در هفته برای بانوان و چهار روز هم برای مردان اختصاص داده شده است. اما با وجود اینهمه، احکامی مبنی بر موجودیت ضرورت مبرم حضور بانوان در خارج از منزل نیز تدوین گردیده است.

"طالب" ها توضیح میدهند ک اقدامات یادشده را بمنظور حفظ امنیت بانوان کشور تجویزی نمایند، اما کارشناسان معتقدند که وضع محدودیت های یادشده با دساتیر و مقررات دینی اصلن سرسازگاری نداشته و با قوانین و شرع اسلامی نیز موافق نمی باشد. شهروندان کشور عزیز ما از اعمال سختگیری ها در قبال بانوان افغان انتقاد نموده و چنین می پندارند که کشورهای اسلامی و مجامع مذهبی، همه بر رعایت حجاب توسط بانوان موافق بوده و اما در مورد شکل و شمایل آن، طرز دید و نگاه بآن، می تواند کاملن از هم متفاوت باشد.

در برخی از عرصه ها در مورد سهمگیری و اشتغال بکار و فعالیت های اجتماعی بانوان نیز محدودیت هایی وضع گردیده است. به بسیاری از بانوان شاغل تجویز گردیده تا در منزل باشند. البته در مورد کارکنان بخشهای بهداشتی و تعلیم و تربیه، محدودیت های یادشده مرفوع می باشد. در گزارش "عقوبین الملل" قید شده است که ستر تیزی "طالب" ها چنین می رساند که اینهمه موارد شامل بانوانی می گردد که همسران مرد آنها نمی توانند در زمینه، گزینه مورد نظر باشند. حتا بسیاری از بانوان شاغل در بخش های خصوصی نیز از کار و وظیفه سبکدوش گردیدند. قابل تذکر است که رویکرد اینچنینی، در واقعیت امر، با اساسات و احکام اسلامی کاملن متناقض می باشد. در اسلام مرد زن از حقوق و مکلفیت های مساوی و برابر برخوردار می باشند. بر بنیاد احکام اسلامی، از جمله تحصیل علم برای مرد و زن مسلمان لازمی و ضروری پنداشته شده است. طبق گزارش "عفو بین الملل"، بانوان معترضی که علیه طرح مقررات وضع شده اعتراض نمودند، با خطرات زندان و حتا شکنجه نیز مواجه گردیدند.

در امتداد زمانی چند هفته پس از بقدرت رسین "طالب" ها در کشور، بانوان کشور از تداوم تحصیل بویژه پس از صنف ششم منع گردیده و صنف های درسی دانش آموزان نیز بر بنیاد جنسیت از هم مجزا گردید. بتاريخ ۲۹ ماه میزان، سخنگوی "طالب" ها اعلام نمود که وزارت آموزش و پرورش سعی بخرچ می دهد تا شرایط بمنظور تداوم تحصیلات بانوان بالاتر از صنف ششم در کشور را فراهم نمایند. اما با وجود اینهمه، زمان آن تا کنون مشخص نگردیده است.

در امتداد ماه حوت سال پار، وزارت آموزش و پرورش اعلام نمود که دروازه های مکتب بر روی همه بانوان دانش آموز گشوده خواهد شد، اما یکروز پس از آن، زمانی که بانوان دانش آموز برای نخستین مراتبه وارد مکاتب گردیدند، وزارت یادشده از وعده اش انصراف جسته و برخلاف اعلام قبلی آن وزارت، بانوان به منازل شان برگشتانده شدند. از جمله دلایل طرح شده از جانب وزارت یادشده، یکی هم کمبود معلمان مورد ضرورت و موجودیت معضلاتی در مورد فورم و لباس بانوان دانش آموز مکاتب عنوان گردیده و اما اعلام نمودند بمجرد تهیه و تدوین برنامه مورد نظر که بر بنیاد اصول اسلامی و با فرهنگ افغانی عیار می گردد، دروازه های مکاتب بانوان بالاتر از صنف ششم گشوده خواهد شد. اما تا کنون از اجرای عملی وعده های متذکره اصلن سخنی در میان نمی باشد.

اما در مورد عفو عمومی مخالفان قبلی پایست متذکر گردید که بتاريخ ۲۶ ماه اسد سال پار، سخنگوی "طالب" ها خاطر نشان نمود که بهمه شهروندان کشور بشمول آنهایی که بمثابه ترجمان برای نظامیان خارجی کار می کردند یا در اقدامات و فعالیت های مسلحانه سهم گرفتند و بویژه تمام افراد ملکی کشور اطمینان میدهند، هیچگونه اقدام تلافی جویانه ای در قبال آنها انجام داده نخواهد شد. نامبرده همچنان متذکر گردید همه سربازانی که در امتداد ۲۰ سال پسین علیه "طالب" مبارزه می نمودند، مورد عفو قرار می گیرند.

ظاهرن، "اسلام گراها" از آغاز و تداوم کازار انتقام جویانه علیه مخالفان و دشمنان سابق، ابأ ورزیدند. اما عقوبین الملل، در همان نخستین روزهای ورود آنها به کابل، از انجام موجی از کشتار و قتل های سازمان یافته و تفتیش و بررسی منازل و محلات بود و باش شهروندان کشور توسط "طالب" ها نیز خبر می دهد.

با اینهمه، مأموریت سازمان ملل (یوناما) در امتداد زمانی ۲۴ ماه اسد سال ۱۴۰۰ - ماه جوزای سال ۱۴۰۱، کم از کم از قتل و اعدام ۶۰ تن از کارمندان نظامی و زندانی شدن ۱۷۸ تن از شهروندان کشور کاز جمله بتعداد ۲۳ تن آنها محکوم بزندان مجرد گردیدند، خبر می دهد. در جمع یاد شده، بتعداد ۵۶ تن از کارمندان اداره قبلی

امنیتی و کارکنان ادارات دولتی نیز موجود بودند

بربنیاد آمار و ارقام منتشره توسط سازمان ملل، دهاتن از جنگجویان گروه‌بندی "دولت اسلامی" (داعش) که خود را "داعش خراسان" و "جبهه مقاومت ملی افغانستان" می‌نامند، در افغانستان با عین سرنوشت دچار گردیدند. در گزارش مأموریت سازمان ملل در مورد حقوق بشر در کشور ما آمده است که در کنار سایر موضوعات و کلیه موارد مطروحه، اصل "عفو" وعده داده شده توسط "طالب"، بباد فراموشی سپرده شد. گزارشگران از تهدید و ایجاد ترس و ارباب از جانب "طالب" ها خبر می‌دهند. در زمینه، نماینده "طالب" ها به "گزارشگران بدون مرز" وعده سپرد تا از اصل غیروابستگی وسایل اطلاعات جمعی، آزادی مطبوعات، در صورتی که به چهارچوکت فرهنگی ایجاد شده "طالب" ها صدمه ای وارد نگردد، محترم پنداشته خواهد شد. اما چند روز پس از ورود "طالب" ها بکابل و تصرف قدرت توسط آنها، یکتن از خبرنگاران آلمانی را بقتل رسانیده و در امتداد ماه سنبله سال ۱۴۰۰، فرا سیون بین المللی خبرنگاران کشور اطلاع داد که فهیم دشتی، رئیس اتحادیه خبرنگاران افغانستان در جریان در گیری میان "طالب" ها و جنگجویان جبهه مقاومت ملی افغانستان از زندگی ساقط گردید.

سازمان های مدافع حقوق بشر، اسناد وشواهد معتبری دال برقتل وکشتن خبرنگاران توسط "طالب" ها در اختیار ندارند. اما کمترین توان در این مورد شک وتردید نمود که با بقدرت رسیدن "طالب" ها در کابل، وضعیت خبرنگاران و آزادی مطبوعات بگونه رقتباری بدتر شده است. بربنیاد اطلاعات "گزارشگران بدون مرز"، از مجموعه ۱۰ هزار نفری که در بخش وسایل نشر اطلاعات همگانی مصروف بودند، در امتداد ماه قوس، بتعداد ۲۳۱ تن آنها، در سه ماه نخست ظهور "طالب" ها ناپدید شدند. طبق آمارهای دقیق ارائه شده، از مدت زمان بقدرت رسیدن "طالب" ها بتعداد ۳۱۸ رسانه ملی وسایل اطلاعات جمعی، توقیف گردیده و از تداوم فعالیت ممنوع گردیدند.

"طالب" ها در امتداد ماه جدی سال پاراظهار نموده و وعده سپردند که به مصادره هیچکدام از رسانه های همگانی مبادرت نورزیده و آزادی مطبوعات را احترام نمایند. اما برخی از رسانه ها بدلیل فقدان منابع مالی، خود فعا لیت های شان را متوقف نمودند. نماینده "طالب" ها اعتراف نمود که پوشش رسانه بی در افغانستان باید با قوا نین وضوابطی مطابقت داشته باشد که در کشورهای غربی، قوانین یادشده بمنظور فعالیت های یادشده، ممکن تحدید کننده آزادی مطبوعات تلقی گردد.

"طالب" ها در امتداد ماه حوت سال پاریه منع نشرات صدأ و سیمأ و برخی از وسایل ارتباط همگانی بین المللی از جمله بی بی سی، "صدای امریکا" و دویچه ویلی در کشور نیز مبادرت ورزیدند. یکماه پس از آن، دهاتن از خبر نگاران توقیف و زندانی گردیدند. بربنیاد تحقیقات انجام شده توسط سازمان های غیردولتی، عدم دسترسی به اطلاعات، خودسانسوری، هرأس از سرکوب وموجودیت بحران اقتصادی، بگونه کلی اسباب فروپاشی بی سابقه رسانه های کشور را فراهم نمود.

اما با در نظر داشت واقیعت های موجود جامعه ما، ادعای "طالب" ها مبنی برتوقف قاچاق و تجارت غیرقانونی مواد مخدر، اندکی بعید بنظرمی رسد. در امتداد دهه پستین، متأسفانه کشور ما به بزرگترین تولید کننده هیروئین وتریاک در جهان مبدل گردید.

از جانب دیگر، حاکمان پاکستانی ادعأ می نمایند که کشورشان با تهدیدهای وارده از جانب شبه نظامیان مواجه می باشد. همچنان اداره رئیس جمهور بایدن از تحرکات و فعالیت های روزافزون جنگجویان بنیادگرا در پاکستان اظهار ناراحتی نموده و اقدامات یادشده را بمنابۀ در دسری برای ایالات متحده می پندارد. در جریان ملاقات و گفتگوهای مقامات امریکایی تذکر بعمل آمد که وضعیت بوجد آمده در پاکستان بمنابۀ نتیجه مستقیم تحرکات سیاسی وتغییر قدرت در افغانستان پنداشته می شود.

علیرغم همه نشانه های آمادگی "طالب" های افغان و تلاش بمنظور آشتی دادن همتایان پاکستانی شان با اسلام آباد، مذاکرات و گفتگوها میان طرفین درگیری بنمرنشسته و همچنان جامعه کارشناسان از افزایش فاصله موضعگیری های مقامات رسمی در کشور پاکستان نیز اطلاع دادند.

تام اویست، نماینده ویژه ایالات متحده در کشور ما، بنوبه خویش نگرانی اش را در مورد تکوین وضعیت موجود در پاکستان ونحوه تحرکات "تحریک طالب های پاکستان" ابراز نموده و از جمله متذکر گردید که وسعت وگسترش روزافزون حملات تحریک یادشده، درگام نخست ودرنوع خود، به معضله ایی برای پاکستان مبدل گردیده است. مسأله فوق از جمله مواردی بشمار می رود که بگونه دوامداری میان واشنگتن واسلام آباد مورد غورو بررسی قرار می گیرد.

با اینحال، از نظر کیفی بمشکل بتوان آنرا بمثابة موضوع جدید پنداشت، چه نامبرده متذکر گردید که در وضعیت کنونی و شرایط موجود، همکاری و مشارکت معینی در زمینه یادشده میان اداره و اشنگتن برهبری بآیدن و زمامداران کنونی در کابل اصلن متصور نمی باشد.

اظهارات نماینده ویژه ایالات متحده برای افغانستان با تحرکات گسترده بنیادگراها در کشور همجوار افغانستان (پاکستان) همراه می باشد. بنابر این، داده های انستیتوت مطالعات جهانی پاکستان از افزایش حملات انتحاری بگونه بی پیشینه ای در سرزمین و اراضی متعلق به پاکستان، بویژه پس از بقدرت رسیدن "طالب"ها در کابل، خبر می دهد.

بر بنیاد خبرها و اطلاعات بنشر رسیده، در نتیجه ۲۵ حمله که در امتداد زمانی ۱۵ ماه اگست سال ۲۰۲۱ - ۱۴ ماه اگست سال ۲۰۲۲ انجام پذیرفت، بتعداد ۴۳۳ تن کشته و بتعداد ۷۱۹ تن نیز زخم برداشتند. در گزارش همچنان تذکر بعمل آمده که از ماه سنبله سال ۱۳۹۹ - ماه سنبله سال ۱۴۰۰ در پاکستان بتعداد ۱۶۵ اقدام ترور یستی انجام پذیرفته که در نتیجه آن بتعداد ۲۹۴ تن کشته و ۵۹۸ تن هم مجروح گردیدند.

بر بنیاد پیشبینی های کارشناسان، با موجودیت وضعیت بی ثباتی بویژه در مناطق و محلات تحت تسلط "طالب"ها بمفهوم محدود کلمه و در تمامی افغانستان بمفهوم وسیع کلمه، ممکن پاکستان بیش از پیش با تروریزم افسار گسیخته ایی مواجه گردد. چه، مقامات پاکستانی از موجودیت و حضور فعال تروریست ها و جنگجویانی بویژه در مناطق تحت تسلط طالب"ها در افغانستان، خبر می دهند که بیش از پیش در صدد گسترش نفوذ و تاثیرگذاری بر کشورهای آسیای میانه و جنوب آسیا می باشند.

موازی با وسعت تحرکات تروریستی و بویژه از جمله بدلیل افزایش در تعداد مهاجران کشورما، وضعیت در پاکستان بیش از پیش متشنج گردیده و به یقین که معضلات معینی را برای آن کشور ببار خواهد آورد.

بر این بنیاد در امتداد سال پسین، بویژه پس از سقوط کابل، تقریبین بتعداد ۳۰۰ هزار تن از شهروندان کشورما به پاکستان مهاجرت نموده و در اراضی و قلمرو مربوط بآن کشور رحل اقامت افگندند.

اما در مورد میانجیگری های "طالب"ها بایست اضافه نمود که مقامات رسمی پاکستان در جریان گفتگو با وسایل ارتباط همگانی غربی، از اصل موجودیت و حضور گروه های رادیکال و بنیادگرا در کشورشان انکار ورزیده و بگونه ای از واقعیت یادشده طفره رفتند.

اما واقعیت های موجود را نمی توان از انظار جهان و جهانیان پنهان نموده و آنهمه را مخفی نگه داشت.

بسیاری از کارشناسان مسایل مربوط به منطقه معتقدند که نفوذ و اثرگذاری پاکستان بر "طالب"ها بگونه اغراق آمیزی بزرگ جلوه داده می شود که با واقعیت های موجود اصلن همخوانی ندارد. نباید فراموش نمود که بویژه پس از بقدرت رسیدن "طالب"ها در کابل، عوامل ذهنی در مجموعه مناسبات و نحوه ارتباط آنها با پاکستان برجسته گردید. در اینجا سخن در مورد ارتباط ها و مناسبات نسبتن مشخصی میان آنها می باشد که عمدتن در برگیرنده تماس های شخصی و انفرادی شخصیت ها و رهبران جناح ها می گردد. در مجموع و بمفهوم وسیع کلمه، بتدریج از نفوذ و تاثیرگذاری پاکستان در مسایل مربوط بکشورما نیز کاسته شده و "طالب"ها در صدد خاتمه بخشیدن وابستگی های شان با اسلام آباد می باشند.

در اینمورد قابل یاددهانی پنداشته می شود که به مجرد بقدرت رسیدن "طالب"ها در کابل، آنها از اسلام آباد فاصله گرفتند.

رژیم کنونی در کابل البته که برای پاکستان حاکمیت و واقعیت ایده آل پنداشته نمی شود، اما با اینحال، مناسبتترین مورد ممکن بحساب می آید.

شنبه ۷ ماه عقرب سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۲۹ ماه اکتوبر سال ۲۰۲۲ ترسایی